

Subject: Legitimacy Is Leverage in Negotiation

April 13, 2026

Mr. President,

Your approach toward Iran—from your first term to today—demonstrates a consistent willingness to make difficult decisions where others hesitated. Many have already acknowledged your role in halting multiple conflicts and shifting the global balance away from endless war.

What you are now doing with Iran resembles the work of a skilled surgeon: removing a dangerous tumor to give the patient a chance to survive. But as in medicine, surgery alone is not the cure. Without rehabilitation and a change in underlying conditions, the disease returns.

The root cause—the “cancer” within Iran—remains its current Constitution. Since 1979, this framework has institutionalized hostility, exported instability, and prevented normalization with the United States. While your policies have weakened the regime significantly, the constitutional foundation that drives its behavior still exists.

History proves this point. The hostage crisis of the U.S. Embassy ended under pressure, yet it did not end the regime’s conduct. From Beirut to the present day, similar patterns have continued. These are not isolated incidents—they are the predictable outcomes of a system built on ideological confrontation.

The current negotiators were products of that system. Their legitimacy derives not from the Iranian people, but from a constitutional structure that mandates opposition. Even if they agreed to your terms, there is no assurance they will uphold them. Likewise, concessions made to them will not transform their nature.

This is where leverage exists.

If you propose a simple, time-bound condition—such as a one-month framework in which they must initiate the formation of a Constitutional Assembly and begin removing the provisions that mandate hostility—you introduce a test of legitimacy.

If they accept, it opens a path toward a truly representative agreement.

If they refuse, it confirms that their authority is not compatible with lasting peace.

Either outcome strengthens your position.

I offer this perspective not abstractly, but from direct experience. I have studied and engaged deeply with both the religious and constitutional arguments used by the Iranian establishment. I have published multiple editions of the Quran in different formats and have debated these

interpretations with members of the clerical system itself. I have seen firsthand how religion has been used to justify political control.

A durable agreement with Iran cannot rest solely on negotiated terms—it must rest on legitimate representation. Without that, any agreement remains temporary.

Anyone engaged in negotiations with Iran should read its Constitution carefully; doing so makes clear that the argument presented here is not theoretical, but grounded in the regime's own legal foundation.

Respectfully,

Sohrab Chamanara [www.CyrusForce.org](http://www.CyrusForce.org)

ترجمه فارسی

سبزه آوریل 2026

موضوع: مشروعیت، اهرم قدرت در مذاکره است

آقای رئیس جمهور،

رویکرد شما نسبت به ایران — از دوره اول ریاست جمهوری تان تا امروز — نشان‌دهنده آمادگی مستمر شما برای اتخاذ تصمیمات دشواری است که دیگران از آن پرهیز کرده‌اند. بسیاری نقش شما را در توقف چندین درگیری و تغییر توازن جهانی به سوی دوری از جنگ های بی پایان تأیید کرده‌اند.

آنچه اکنون در قبال ایران انجام می‌دهید، به کار یک جراح ماهر شباهت دارد: برداشتن یک تومور خطرناک برای دادن فرصت بقا به بیمار. اما همان طور که در پزشکی، جراحی به تنهایی درمان نیست. بدون بازتوانی و تغییر در شرایط زمینه‌ای، بیماری بازمی‌گردد.

ریشه اصلی — «سرطان» درون ایران — همچنان قانون اساسی فعلی آن است. از سال ۱۹۷۹، این چارچوب، خصومت را نهادینه کرده، بی‌ثباتی را صادر نموده و مانع عادی سازی روابط با ایالات متحده شده است. اگرچه سیاست‌های شما رژیم را به طور قابل توجهی تضعیف کرده، اما بنیان قانون اساسی که رفتار آن را شکل می‌دهد همچنان باقی است.

تاریخ این واقعیت را اثبات می‌کند. بحران گروگان‌گیری سفارت ایالات متحده تحت فشار پایان یافت، اما رفتار رژیم پایان نیافت. از بیروت تا امروز، الگوهای مشابهی ادامه یافته‌اند. این‌ها رویدادهای پراکنده نیستند — بلکه نتایج قابل پیش بینی یک نظام مبتنی بر تقابل ایدئولوژیک هستند.

مذاکره کنندگان، محصول همان نظام بودند. مشروعیت آن‌ها نه از مردم ایران، بلکه از ساختار قانون اساسی‌ای ناشی می‌شود که تقابل را الزام می‌کند. حتی اگر با شرایط شما موافقت کنند، هیچ تضمینی برای پایبندی آن‌ها وجود ندارد. همچنین، امتیاز دادن به آن‌ها، ماهیتشان را تغییر نخواهد داد.

اینجاست که اهرم قدرت شکل می‌گیرد.

اگر شما یک شرط ساده و زمان بندی شده پیشنهاد دهید — برای مثال یک چارچوب یک ماهه که در آن، آن‌ها باید تشکیل مجلس مؤسسان را آغاز کرده و روند حذف مفاد الزام‌آور خصومت را شروع کنند — در واقع یک آزمون مشروعیت ایجاد کرده‌اید.

اگر بپذیرند، مسیری به سوی یک توافق واقعاً نماینده مردم باز می‌شود.

اگر رد کنند، نشان می‌دهد که اختیار آن‌ها با صلح پایدار سازگار نیست.

در هر دو حالت، موقعیت شما تقویت می‌شود.

این دیدگاه را نه به صورت انتزاعی، بلکه بر اساس تجربه مستقیم ارائه می‌دهم. من به طور عمیق با استدلال‌های دینی و قانون اساسی مورد استفاده حاکمیت ایران مطالعه و تعامل داشته‌ام. چندین نسخه از قرآن را در قالب‌های مختلف منتشر کرده‌ام و این تفاسیر را با اعضای نظام روحانیت به بحث گذاشته‌ام. من از نزدیک دیده‌ام که چگونه از دین برای توجیه کنترل سیاسی استفاده شده است.

یک توافق پایدار با ایران نمی‌تواند صرفاً بر پایه مفاد مذاکره بنا شود — بلکه باید بر نمایندگی مشروع استوار باشد. بدون آن، هر توافقی موقتی خواهد بود.

هر کسی که در حال مذاکره با ایران است باید قانون اساسی آن را با دقت بخواند؛ چرا که این کار به روشنی نشان می‌دهد استدلال مطرح شده در اینجا نظری نیست، بلکه بر پایه بنیان حقوقی خود رژیم استوار است.

با احترام،

سهراب چمن‌آرا